

بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی عاشقانه و عشق با رضایت

زناشویی

عباس امان‌الهی *

استادیار مشاوره دانشگاه شهید چمران اهواز

خالد اصلانی

استادیار گروه مشاوره دانشگاه شهید چمران اهواز

هاجر تشکر

دانشجوی سابق دانشگاه شهید چمران اهواز

سعاد غوابش

دانشجوی سابق مشاوره دانشگاه شهید چمران اهواز

سمیه نکوئی

کارشناس ارشد مشاوره

چکیده

در این پژوهش رابطه سبک‌های دلبستگی عاشقانه (ایمن، پریشان و گسسته) و سبک‌های عشق (اروس، لودوس، استورگ، پراگما، مانیا و اگیپ) با رضایت زناشویی در کارکنان زن متأهل اداره‌های دولتی شهر اهواز در سال ۱۳۸۸ بررسی شد. شرکت‌کنندگان در این پژوهش ۲۰۰ نفر بودند که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه‌های شیوه‌های رفتاری (BSQ)، سبک‌های عشق لی (LAS) و رضایت زناشویی انریچ (ENRICH)، جمع‌آوری شد. علاوه بر روش‌های توصیفی برای بررسی فرضیه‌های پژوهش از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون استفاده شد. نتایج نشان داد که: سبک دلبستگی ایمن، سبک‌های عشق اروس، استورگ، پراگما و اگیپ با رضایت زناشویی رابطه مثبت دارند. سبک‌های دلبستگی پریشان و گسسته و سبک‌های عشق لودوس و مانیا با رضایت زناشویی رابطه منفی دارند. نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیری نشان داد که از بین متغیرهای پیش‌بین سبک دلبستگی گسسته و سبک‌های عشق اروس، مانیا و پراگما پیش‌بینی‌کننده معناداری برای رضایت زناشویی هستند.

واژگان کلیدی

سبک‌های دلبستگی عاشقانه؛ سبک‌های عشق؛ رضایت زناشویی

* نویسنده مسئول

تاریخ تصویب: ۱۳۹۰/۱۲/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۹/۸

مقدمه

ازدواج به عنوان هیجان انگیزترین و پراسترس‌ترین رویداد مهم برای زندگی هر انسانی قلمداد می‌شود. با ازدواج افراد نشان می‌دهند که در فرایند رشد خود قدمی به جلو گذاشته‌اند. داشتن زندگی رضایتمند یکی از پیش نیازهای رسیدن به آرامش و تکامل در زنان و مردان است. مطالعات جانسون و لبو^۱ (۲۰۰۰) و والکر^۲ (۱۹۹۹) نشان می‌دهد که به‌رغم فقدان توجه محققان، مردان و زنان رضایت زناشویی متفاوتی دارند. برنارد^۳ (۱۹۷۵) مفهوم ازدواج مردانه و ازدواج زنانه را پیشنهاد می‌دهد؛ به این معنی که تجربیات ازدواج برای زنان و مردان متفاوت است. او معتقد است که زن و مرد ازدواج را به شکل متفاوتی تجربه می‌کنند. گاتمن^۴ (۱۹۹۹) و مارکمن^۵ و همکاران (۱۹۹۴) معتقدند که اکثر زن و شوهرها در ابتدای زندگی مشترک، رضایت زناشویی یکسانی را نشان می‌دهند، اما به دلایل مختلف در طی زمان درجه رضایت زناشویی متفاوتی را نشان می‌دهند. این مسائل نشان می‌دهد که رضایت زناشویی زنان از عوامل متعدد و به صورت متفاوتی از مردان تأثیر می‌پذیرد و سبک‌های دلبستگی و عشق از جمله این عوامل است.

اگر چه نظریه دلبستگی نخستین بار برای تبیین رابطه عاطفی بین نوزاد و مراقبت از آن‌ها شکل گرفت، اما بالبی^۶ (۱۹۷۹)، معتقد است دلبستگی مؤلفه مهمی از تجربه انسان از «گهواره تا گور» است. او روابط دلبستگی را به عنوان عاملی مهم در زندگی عاطفی بزرگسالان در نظر می‌گیرد. رایبن و اولین^۷ (۱۹۹۸) بیان می‌کند که الگوهای عملی دلبستگی یعنی باورها، انتظارات و احساسات فرد درباره حساسیت و پاسخ‌دهندگی و همچنین شامل شایستگی و ارزشی است که فرد برای خود دریافت توجه و محبت از دیگران دارد. طرفداران نظریه دلبستگی به تجارب گذشته فرد توجه زیادی دارند و معتقد هستند که نوع رابطه مادر (مراقبین اصلی) - کودک در سال‌های اولیه زندگی، میزان قابلیت دسترسی به مادر، میزان حمایت مادر

1. Johnson & Lebow
2. Walker
3. Bernard
4. Gottman
5. Markman
6. Bowlby
7. Robyn & evelyn



در هنگام احساس خطر، درجه حساسیت مادرانه و تکیه گاه ایمن بودن مادر برای کودک جهت کاوش در محیط سبک دلبستگی فرد را معین می‌کند (هازن و شاور^۱، ۱۹۸۷). هازن و شاور در سال ۱۹۸۷، تئوری دلبستگی را به عنوان پایه ساختار درک عشق بزرگسالی به کار بردند آن‌ها عشق رومانتیک یا رابطه دو نفره را به عنوان فرآیند دلبستگی تعریف کردند که از همان فرایند تکاملی و پیامدهای مشابه تفاوت‌های فردی در دلبستگی نوزاد-والد پیروی می‌کند. هنگامی که هازن و شاور (۱۹۸۷) کار خود را بر دلبستگی عاشقانه آغاز کردند، طرح سه طبقه‌ای اینسورث را به عنوان چارچوبی برای سازماندهی تفاوت‌های فردی انتخاب کردند، به صورتی که بزرگسالان در روابط عاشقانه، فکر، احساس و رفتار می‌کنند. آن‌ها ادعا می‌کنند که سه سبک دلبستگی روابط عاشقانه؛ ایمن، اضطرابی - دوسوگرا و اجتنابی در بین پیوندهای دو نفره وجود دارد. هازن و شاور (۱۹۸۷ و ۱۹۹۰) در مطالعات اولیه، با چند جمله توصیف مختصری از هر کدام از انواع دلبستگی را طرح کردند که انتظار داشتند هر کدام از افراد تجربه کنند. سه شیوه و روش اولیه دلبستگی، ایمن، اجتنابی / اضطرابی / مقاوم، مرکز توجه پژوهش‌ها بود. اگر چه مدل سه مقوله‌ای دلبستگی را برخی از محققان به کار گرفته‌اند (برنان و شاور^۲، ۱۹۹۵؛ کرکپاتریک و دیویس^۳، ۱۹۹۴ و تامسون^۴، ۱۹۹۹ به نقل از هالیست^۵، ۲۰۰۵)، بارتولومئو و هارویتز^۶ (۱۹۹۱)، مدل دسته‌بندی چهار مقوله‌ای را پیشنهاد کردند که شامل ترکیب‌های متفاوتی از عقاید مثبت و منفی درباره خود و دیگران است: ۱- دلبستگی ایمن؛ ۲- دلبستگی پریشان (شیفته)؛ ۳- دلبستگی گسسته و ۴- دلبستگی هراسان. از نظر سیمپسون و رولز^۷ (۱۹۹۸) بررسی‌های صورت گرفته درباره ویژگی‌های افراد متعلق به سبک‌های مختلف و تأثیر آن در روابط با دیگران از جمله ازدواج و رابطه با همسر مؤید آن است که دو شاخص ترس از طرد شدن و احساس آسودگی در روابط عناصر مهم رفتار دلبستگی در ازدواج هستند به طوری که احساس آسودگی در روابط و فقدان ترس از طرد شدن نشان‌دهنده دلبستگی ایمن

1. Hazan & Shaver
2. Brennan
3. Kirkpatrick & Davis
4. Thampson
5. Hollist
6. Bartholomew & Horowitz
7. Simpson & roles

هستند (رابین و اولین، ۱۹۹۸). برخی تحقیقات نشان می‌دهد که مردانی که قبل از ازدواج آسودگی بیشتری در روابط خود داشته‌اند، بعد از ازدواج هم رضایت زناشویی بالاتری گزارش خواهند کرد. پژوهش دیگری حاکی از این است که افراد ایمن روابط سالم‌تری در بزرگسالی دارند (وکرلی^۱، ۱۹۹۸) و در روابط خود پایدارتر هستند و رضایت بالاتری دارند (فینی و نولر^۲ ۱۹۹۹) تعداد دیگری از پژوهش‌ها تأثیر سبک دلبستگی زوجین را در کیفیت روابط زناشویی تأیید کرده‌اند. همسران افراد با سبک دلبستگی ایمن رضایت بالاتری را گزارش می‌کنند (وایت وی^۳، ۲۰۰۱). این همسران عشق و علاقه بیشتری را نسبت به یکدیگر نشان می‌دهند (وولینگ^۴، ۱۹۹۸).

از دیگر عواملی که رابطه آن با رضایت زناشویی بررسی شده است می‌توان به سبک‌های عشق اشاره کرد. این رابطه بر اساس نظریه سبک‌های عشق لی^۵ (۱۹۹۸) بررسی شده است. در این نظریه هر نوع عشق به یک سبک اولیه و ثانویه مربوط می‌شود. لی می‌گوید که نگرش‌های مختلف نسبت به عشق وجود دارد که از تجارب خانوادگی، عواطف مؤثر و رفتارها نشأت می‌گیرد که می‌توان آن‌ها را در شش سبک اصلی طبقه بندی کرد. الف: سبک‌های عشق ورزی اولیه: ۱- اروس^۶؛ اروس یک تجربه عاطفی شدید است که مشابه عشقی پر از هوس است (لی، ۱۹۹۸). در حقیقت متداول‌ترین علامت و نشانه اروس، جذابیت آنی و نیرومند برای دوست داشتن افراد است. ۲- لودوس^۷: یک نوع بازی از شیوه‌های عشق ورزیدن است و به وسیله آن قوانین به بازی گرفته می‌شود. عاشق لودوسی، عشق را به عنوان یک بازی می‌بیند که با مهارت انجام می‌دهد و اغلب چندین شریک به طور همزمان دارد (لی، ۱۹۹۸). ۳- استورگ^۸: یک شیوه عشقی است که استرس را پایین می‌آورد، اما محبت را عمیق و تعهد به وجود آمده در رابطه را بیشتر می‌کند. اغلب همانند دوستی دراز مدت است که اعتماد در طی

1. Wekerle
2. Feeney & Noller
3. Whiteway
4. Volling
5. Lee
6. eros
7. loudos
8. storge



زمان ساخته می‌شود و اصراری بر عشق ورزیدن نیست (فریکر و هانس^۱، ۲۰۰۶).

ب: سبک‌های عشق ورزی ثانویه: ۱- پراگما^۲: این نوع از سبک عشق، ترکیبی از استورگ و لودوس است و عشقی که برای شریک ارزش بسیار قائل می‌شود و به دنبال همسر مناسب می‌گردد. عاشق پراگماتیک یک نگاه عملی به عشق دارد و دنبال عاشق سازگار می‌گردد (فریکر و هانس، ۲۰۰۶). ۲- مانیا^۳: یکی از شیوه‌های عشق ورزیدن ثانویه است که شکل‌هایی از اروس و لودوس را ترکیب می‌کند. آمیزه‌ای از یک حس مالکیت عمیق و نوع اضطرابی از عشق را نشان می‌دهند (هندریک^۴ و هندریک، ۱۹۸۷). ۳- اگیپ^۵: آخرین نوع ثانویه عشق است، ترکیبی از اروس و استورگ است. این سبک عشق از خود بی‌خودی است که یک اجبار برای عشق و مراقبت از دیگران، بدون هیچ‌گونه انتظار پاداش متقابل است (لی، ۱۹۷۳ و ۱۹۷۷).

پیستول^۶ (۱۹۸۹، به نقل از عیدی خطیبی، ۱۳۸۳) در پژوهشی رابطه سبک دلبستگی را با رضایت و حل تعارض بررسی کرد و نتایج پژوهش او مؤید آن بود که آزمودنی‌های با دلبستگی ایمن، سطوح بالاتری از رضایت در روابط را نشان دادند. همچنین نسبت به سبک‌های دلبستگی اجتنابی و پریشان راهبردهای یکپارچه و مصالحه‌آمیزی در حل تعارضات اتخاذ می‌کردند. نتایج پژوهش حمیدی (۱۳۸۶) نشان داد که دانشجویان متأهل با سبک‌های دلبستگی ایمن، از رضایت‌مندی زناشویی بالاتری بهره‌مند هستند و دانشجویانی که سبک دلبستگی نایمن اجتنابی و دو سوگرا داشتند، میزان رضایت‌مندی زناشویی آن‌ها نیز به طور معناداری کمتر از افراد ایمن بود. نتایج پژوهش عیدی خطیبی و خانجانی (۱۳۸۵) نشان داد که بین سبک‌های مختلف دلبستگی از لحاظ میزان رضایت زناشویی تفاوت وجود دارد. افراد ایمن چه مرد و چه زن رضایت زناشویی بالاتری نسبت به سبک‌های دیگر دارند. در پژوهشی دیگر رجایی و همکاران (۱۳۸۶)، رابطه سبک‌های دلبستگی را با رضایت‌مندی زناشویی بررسی کردند. یافته‌ها بین سبک دلبستگی ایمن و رضایت زناشویی همبستگی مثبت معنادار نشان دادند، اما بین سبک‌های دلبستگی اجتنابی و دو سوگرا همبستگی با رضایت

1. Fricker & Hons
2. pragma
3. mania
4. Hendrick
5. egape
6. pistl

زناشویی رابطه منفی وجود داشت. همچنین سبک‌های دلبستگی بزرگسالان و سبک‌های دلبستگی به مادر پیش‌بینی کننده‌های معناداری برای رضایت زناشویی بودند. نتایج پژوهش عطاری و همکاران (۱۳۸۵) نشان داد که بین سبک‌های دلبستگی با رضایت زناشویی رابطه وجود دارد.

بانس^۱ (۲۰۰۴) روابط بین سطوح چهارگانه‌الگوی دلبستگی عاشقانه ویژه زوجین (بارتولوموف و هورویتز، ۱۹۹۱) و رضایت ارتباطی ۳۳۳ زوج متأهل را بررسی کرد؛ نتایج نشان داد که رضایت زناشویی به وسیله‌الگوی دلبستگی فردی، الگوی دلبستگی همسر و تعامل بین آن‌ها قابل پیش‌بینی است. در کل دلبستگی ایمن با سطوح بالای رضایت زناشویی و دلبستگی نایمن با سطوح پایین رضایت زناشویی ارتباط دارد. هایگتور و روبرت^۲ (۱۹۹۶) در پژوهشی به بررسی رابطه شیوه‌های عشق‌ورزی و کیفیت زناشویی اقدام کردند. نتایج نشان داد عشق اروس و عشق اگیپ به شکل مثبتی با نتایج سازگاری زناشویی مردان رابطه دارد، در حالی که عشق اروس، استورگ و اگیپ به شکل مثبتی با سازگاری زناشویی زنان مرتبط بود. فینی (۱۹۹۹)، رابطه سبک دلبستگی و مراقبت را در میان ۲۳۸ زوج بررسی کرد که در طی آن نشان داد که دلبستگی ایمن و مراقبت با هم مرتبط هستند و هر دو در رضایت زناشویی نقش دارند. تامپسون (۱۹۹۹؛ به نقل از هالیست، ۲۰۰۵) نشان داد که سبک دلبستگی ایمن که در اوایل زندگی ایجاد می‌شود می‌تواند تعیین کننده رفتارهای دلبستگی باشد که روابط رضایت بخشی را در آینده فراهم می‌آورد. کوبک^۳ و هازن (۱۹۹۱؛ به نقل از هالیست، ۲۰۰۵)، در طی پژوهشی در میان ۴۰ زوج کیفیت زندگی زناشویی را مطالعه کردند و دریافتند که سطح بالایی از رضایت زناشویی در میان زوج‌های با دلبستگی ایمن وجود دارد. پاتریک^۴ و همکاران (۱۹۹۸) در پژوهشی سبک‌های دلبستگی و رضایت ارتباطی را بررسی کردند. همان‌طور که انتظار می‌رفت افراد با دلبستگی ایمن، صمیمیت بیشتری را نسبت به همسر خود نشان دادند. همچنین خود افسایی در ارتباط بین سبک دلبستگی و رضایت ارتباطی نقش متغیر میانجی را داشت.

1. Banse
2. Hightower & Robert
3. Kobak
4. Patrick



با توجه به مطالب بالا، هدف از انجام‌دادن این پژوهش بررسی رابطه بین سبک‌های دلبستگی عاشقانه و سبک‌های عشق با رضایت زناشویی و هدف دیگر یافتن پیش‌بین‌های معنادار برای رضایت زناشویی بود.

روش

پژوهش حاضر یک پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش کارکنان زن متأهل اداره‌های دولتی شهر اهواز در سال ۸۸ بودند. نمونه آماری شامل ۲۰۰ نفر بودند که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. میانگین سنی گروه نمونه ۲۹/۸ سال و میانگین طول مدت ازدواج آن‌ها ۷/۸ سال بود.

ابزارهای پژوهش:

۱- پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ^۱ (ENRICH): پرسشنامه انریچ را اولسون^۲ و همکاران در سال ۱۹۸۹ (به نقل از تنایی، ۱۳۷۹)، در آمریکا با هدف ارزیابی و شناسایی زمینه‌های بالقوه مشکل‌زا و زمینه‌های قوت و پرباری روابط زناشویی ساخته‌اند. این پرسشنامه ۱۱۵ گویه دارد و از ۱۲ خرده‌مقیاس تشکیل شده است. در این پژوهش از مقیاس دوم پرسشنامه ۱۱۵ سوالی استفاده شد که رضایت زناشویی را می‌سنجد. اولسون (۱۹۸۹) ضرایب آلفای کرونباخ پرسشنامه انریچ را در خرده‌مقیاس‌های آن از ۰/۴۸ تا ۰/۹۰ گزارش کرده است. امان‌الهی (۱۳۸۴) آلفای کرونباخ و پایایی تنصیف این پرسشنامه را به ترتیب ۰/۹۲ و ۰/۸۷ گزارش کرده است. آلفای کرونباخ و پایایی تنصیف این پرسشنامه در پژوهش حاضر به ترتیب ۰/۸۲ و ۰/۸۰ به دست آمد.

۲- پرسشنامه شیوه‌های رفتاری^۳ (BSQ): این پرسشنامه را فارمن و وهنر^۴ (۱۹۹۹) ساخته است و ۲۲ ماده دارد. مقیاس BSQ میزان موافقت آزمودنی‌ها با مجموعه‌هایی از حالت‌ها را نشان می‌دهد؛ درباره اینکه افراد چه سبک دلبستگی را ممکن است در روابط

1. Enriching and Nurturing Relationship Issus Communication Happiness
2. Olson
3. Behavioral Systems Questionnaire
4. Furman & Wehner

عاشقانه خود به کار بگیرند. هر ماده نشان دهنده یکی از سبک‌های دلبستگی عاشقانه ایمن، دلبستگی پریشان یا گسسته است. فارمن^۱ و همکاران (۲۰۰۲)، آلفای کرونیخ سه سبک دلبستگی را ۰/۸۵ گزارش کرده‌اند. در چندین مطالعه رابطه نمرات سبک‌های دلبستگی عاشقانه با چندین مقیاس سنجیده شده است، از جمله با مقیاس هازن و شاور، مقیاس دلبستگی بزرگسالان کالینز و رید و در مطالعه برنان، کلارک و شاور با مقیاس رابطه بسته (خصوصی)، رابطه معناداری داشتند (فارمن و وهنر، ۲۰۰۱). امان‌الهی و همکاران (۱۳۸۹)، این پرسشنامه را تهیه و ترجمه کردند و برای بررسی آن را در اختیار اساتید دانشگاه قرار داده و سپس از فرم اصلاح شده و نهایی استفاده کردند. آن‌ها برای بررسی پایایی این پرسشنامه از آلفای کرونیخ استفاده کردند که برای سبک دلبستگی ایمن ۰/۶۹، دلبستگی پریشان ۰/۷۷ و دلبستگی گسسته ۰/۴۱ به دست آمد. در پژوهش حاضر برای بررسی پایایی این پرسشنامه از روش آلفای کرونیخ استفاده شد که برای سبک دلبستگی ایمن ۰/۶۴، سبک دلبستگی پریشان ۰/۵۴ و سبک دلبستگی گسسته ۰/۷۸ به دست آمد.

۳- مقیاس نگرش‌های عشقی^۲ (LAS): هندریک و هندریک (۱۹۸۶)، فرم اصلی پرسشنامه را بر اساس نظریه عشق لی با عنوان مقیاس نگرش‌های عشقی (LAS)، ساختند. هندریک و هندریک (۱۹۸۹) پایایی و روایی شش سبک عشق لی را از نظر روان‌شناختی و تحلیل عاملی به دست آوردند. پرسشنامه اصلی ۴۲ ماده دارد. در این پژوهش از فرم کوتاه شده هندریک و هندریک استفاده شد که شامل ۲۴ ماده است. در این پرسشنامه آزمودنی‌ها پاسخ‌های خود را در یک مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای از کاملاً مخالفم (۱) تا کاملاً موافقم (۵)، بیان می‌کنند (هندریک و هندریک، ۱۹۸۶). هندریک و هندریک (۱۹۸۹) در طی پژوهش‌های اولیه خود آلفای کرونیخ را برای اروس ۰/۷۰، برای استورگ ۰/۶۸ و اگیپ ۰/۸۳، و از طریق پایایی بازآزمایی، برای مانیا ۰/۷۰، برای لودوس ۰/۸۲ به دست آوردند. در پژوهش مونته‌گومری و سورل^۳ (۱۹۹۷)، نتایج پژوهش‌های هندریک و هندریک در سال ۱۹۸۶ تأیید شد، به طوری که آلفای کرونیخ محاسبه شده برای استورگ ۰/۷۱ و برای اگیپ ۰/۸۲ بوده است. مطالعات

1. Furman
2. Love Attitude Scale
3. Montgomery & Sorell



یانگ و لیو^۱ (۲۰۰۷)؛ وایت^۲ و همکاران (۲۰۰۴)؛ نتو^۳ و همکاران (۲۰۰۰) و کانماسا^۴ و همکاران (۲۰۰۷) مدل ۶ عاملی سبک‌های عشق را در فرهنگ‌های مختلف تأیید کرده‌اند. ضرایب آلفای کرونباخ این پرسشنامه در پژوهش امان‌الهی، غوابش و تشکر (۱۳۸۹) برای اروس ۰/۸۵، لودوس ۰/۵۱، پراگما ۰/۴۵، استورگ ۰/۴۰، مانیا ۰/۵۰، و اگیپ ۰/۸۷ به دست آمد. در پژوهش حاضر برای بررسی پایایی این پرسشنامه از روش الفای کرونباخ استفاده شد که به ترتیب برای اروس ۰/۸۶، لودوس ۰/۵۹، استورگ، ۰/۷۵، پراگما، ۰/۵۶، مانیا ۰/۵۳ و اگیپ ۰/۸۶ به دست آمد.

یافته‌ها

جدول ۱ تعداد، میانگین، انحراف معیار، حداقل نمره و حداکثر نمره آزمودنی‌ها در متغیرهای پیش‌بین سبک‌های دلبستگی عاشقانه را نشان می‌دهد.

جدول ۱: تعداد، میانگین، انحراف معیار، حداقل نمره و حداکثر نمره آزمودنی‌ها در متغیرهای پیش‌بین

شاخص‌های آماری					متغیرهای پیش‌بین
تعداد	میانگین	انحراف معیار	حداقل نمره	حداکثر نمره	
۲۰۰	۲۶/۳۲	۶/۲۸	۵	۵۷	دلبستگی ایمن
۲۰۰	۱۴/۴۱	۳/۹۱	۸	۲۷	دلبستگی پریشان
۲۰۰	۱۸/۶۶	۷/۸۶	۷	۴۵	دلبستگی گسسته
۲۰۰	۱۵/۲۲	۳/۷	۴	۲۰	اروس
۲۰۰	۱۱/۶	۳/۹۵	۳	۲۱	لودوس
۲۰۰	۱۲/۹۸	۳/۶۸	۴	۲۰	استورگ
۲۰۰	۱۱/۳	۲/۱۸	۴	۱۵	پراگما
۲۰۰	۱۳/۶	۲/۸۲	۴	۲۰	مانیا
۲۰۰	۱۴/۰۴	۳/۹۵	۴	۲۰	اگیپ

1. Yang & Liu
2. White
3. Neto
4. Kanemasa

جدول ۲ یافته‌های توصیفی شامل میانگین، انحراف معیار، تعداد آزمودنی‌ها، حداقل نمره، حداکثر نمره برای آزمودنی‌ها در متغیر ملاک (رضایت زناشویی) را نشان می‌دهد.

جدول ۲: تعداد، میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر نمره متغیر ملاک (رضایت زناشویی)

متغیر ملاک	شاخص‌های آماری			
	تعداد	میانگین	انحراف معیار	حداقل نمره
رضایت زناشویی	۲۰۰	۳۸/۴۵	۷/۶۶	۱۰

همان‌طور که در جدول ۲ ملاحظه می‌شود میانگین و انحراف معیار آزمودنی‌ها در متغیر ملاک (رضایت زناشویی)، به ترتیب ۳۸/۴۵ و ۷/۶۶ است.

جدول ۳ ضرایب همبستگی ساده بین سبک‌های دلبستگی عاشقانه و سبک‌های عشق با رضایت زناشویی را نشان می‌دهد.

جدول ۳: ضرایب همبستگی ساده بین سبک دلبستگی عاشقانه و سبک‌های عشق با رضایت زناشویی

متغیر ملاک	متغیر پیش‌بین	شاخص‌های آماری	
		تعداد	ضریب همبستگی
رضایت زناشویی	دلبستگی ایمن	۲۰۰	۰/۳۶۱
	دلبستگی پریشان	۲۰۰	-۰/۲۵۰
	دلبستگی گسسته	۲۰۰	-۰/۴۹۰
	اروس	۲۰۰	۰/۶۶۱
	لودوس	۲۰۰	-۰/۳۹۶
	استورگ	۲۰۰	۰/۲۷۵
	پراگما	۲۰۰	۰/۳۵۴
	مانیا	۲۰۰	-۰/۱۱۴
	اگیپ	۲۰۰	۰/۱۴۹
	سطح معناداری		

همان‌طور که در جدول ۳ ملاحظه می‌شود ضریب همبستگی بین سبک دلبستگی ایمن و رضایت زناشویی با استفاده از آزمون یک دامنه پیرسون $r = 0/361$ است که در سطح $p < 0/05$



معنادار است. بنابراین، فرضیه ۱ تأیید می‌شود. ضریب همبستگی بین سبک دل‌بستگی پریشان و رضایت زناشویی با استفاده از آزمون یک دامنه پیرسون $r = -0/250$ است که در سطح $p < 0/05$ معنادار است. بنابراین، فرضیه ۲ تأیید می‌شود. ضریب همبستگی بین سبک فقدان دل‌بستگی و رضایت زناشویی با استفاده از آزمون یک دامنه پیرسون $r = -0/490$ است که در سطح $p < 0/05$ معنادار است. بنابراین، فرضیه ۳ تأیید می‌شود.

ضریب همبستگی بین سبک عشق اروس و رضایت زناشویی با استفاده از آزمون یک دامنه پیرسون $r = 0/661$ است که در سطح $p < 0/05$ معنادار است. بنابراین، فرضیه ۴ تأیید می‌شود. ضریب همبستگی بین سبک عشق لودوس و رضایت زناشویی با استفاده از آزمون یک دامنه پیرسون $r = -0/396$ است که در سطح $p < 0/05$ معنادار است. بنابراین، فرضیه ۵ تأیید قرار می‌شود. ضریب همبستگی بین سبک عشق استورگ و رضایت زناشویی با استفاده از آزمون یک دامنه پیرسون $r = 0/275$ است که در سطح $p < 0/05$ معنادار است. بنابراین، فرضیه ۶ تأیید می‌شود. ضریب همبستگی بین سبک عشق پراگما و رضایت زناشویی با استفاده از آزمون یک دامنه پیرسون $r = 0/354$ است که در سطح $p < 0/05$ معنادار است. بنابراین، فرضیه ۷ تأیید می‌شود. ضریب همبستگی بین سبک عشق مانیا و رضایت زناشویی با استفاده از آزمون یک دامنه پیرسون $r = -0/114$ است که در سطح $p < 0/05$ معنادار است. بنابراین، فرضیه ۷ تأیید می‌شود. ضریب همبستگی بین سبک عشق اگیپ و رضایت زناشویی با استفاده از آزمون یک دامنه پیرسون $r = 0/118$ است که در سطح $p < 0/05$ معنادار است. بنابراین، فرضیه ۴ تأیید می‌شود.

۲) بررسی رابطه چندگانه متغیرهای پیش‌بین با متغیر ملاک

برای تعیین پیش‌بین‌های معنادار رضایت زناشویی از بین متغیرهای سبک‌های دل‌بستگی و سبک‌های عشق و تعیین سهم هر یک از آن‌ها از رگرسیون با روش گام به گام استفاده شد. جدول ۴ نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام متغیرهای پیش‌بین سبک‌های دل‌بستگی عاشقانه و سبک‌های عشق با رضایت زناشویی را نشان می‌دهد.

جدول ۴: نتایج تحلیل رگرسیون متغیرهای پیش‌بین سبک‌های دل‌بستگی عاشقانه و سبک‌های عشق با رضایت زناشویی

شاخص‌ها متغیر پیش‌بین	MR	RS	FP	ضرایب رگرسیون			
				۱	۲	۳	۴
اروس	۰/۶۶	%۴۴	۱۵۳/۵ P<۰/۰۰۱	$\beta = ۰/۶۶۱$ $t = ۱۳/۹۰$ P<۰/۰۰۱			
دل‌بستگی گسسته	۰/۶۹	%۴۷	۸۸/۶۲ P<۰/۰۰۱	$\beta = ۰/۵۵۴$ $t = ۹/۳۷$ P<۰/۰۰۱	$\beta = -۰/۲۲۱$ $-t = ۳/۷۲$ P<۰/۰۰۱		
مانیا	۰/۷۱	%۵۱	۶۷/۳ P<۰/۰۰۱	$\beta = ۰/۵۵۹$ $t = ۹/۷۳۶$ P<۰/۰۰۱	$\beta = -۰/۲۳۹$ $t = -۴/۶۷$ P<۰/۰۰۱	$\beta = -۰/۱۸۵$ $-t = ۳/۶۷$ P<۰/۰۰۱	
پراگما	۰/۷۴	%۵۵	۵۸/۷۶ P<۰/۰۰۱	$\beta = ۰/۵۱۶$ $t = ۹/۱۸۷$ P<۰/۰۰۱	$\beta = -۰/۲۱۷$ $t = -۳/۹۱$ P<۰/۰۰۱	$\beta = -۰/۲۲۸$ $t = -۴/۵۹$ P<۰/۰۰۱	$\beta = ۰/۲۱۱$ $t = ۴/۱۰$ P<۰/۰۰۱

رضایت زناشویی



همانگونه که در جدول ۴ ملاحظه می‌شود ضریب همبستگی چندگانه $r = 0/74$ است. و ضریب تعیین آن برابر با $0/55$ است یعنی متغیرهای اروس، فقدان دلبستگی، مانیا و پراگما حدود 55% از واریانس رضایت زناشویی را تبیین می‌کنند و پیش‌بینی کننده‌های معناداری برای رضایت زناشویی هستند.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بین سبک دلبستگی عاشقانه ایمن و رضایت زناشویی رابطه مثبت وجود دارد. یافته‌های پژوهش جین (۲۰۰۲) از این یافته حمایت می‌کند. بنابراین از نظر نویسندگان، امنیت خاطر و اعتماد کلی افراد با سبک عاشقانه ایمن دلیل اصلی این رضایت زناشویی است. امنیت خاطر و اعتماد کلی بستری را برای ارتباط روان‌تر و سالم‌تر ایجاد می‌کند که زمینه‌ساز رضایت زناشویی بالاتر است. هازن و شیور (۱۹۸۷) معتقد هستند در دلبستگی عاشقانه ایمن، شخص ارزش مراقب را قدر می‌داند. به اعتقاد هندریک و هندریک (۱۹۸۹) افراد با سطح بالای دلبستگی عاشقانه ایمن دارای سطوح بالای اعتماد، رضایت و تعهد هستند.

یافته دیگر پژوهش این بود که بین سبک دلبستگی عاشقانه پریشان و رضایت زناشویی رابطه منفی وجود دارد. نتیجه پژوهش سیمپسون (۱۹۹۰) این یافته را تأیید می‌کند. او معتقد است که افراد پریشان خود ارزشی پایینی دارند و این باور را دارند که والدین، آن‌ها را دوست ندارند که پیامد آن سطح پایین‌تر اعتماد، رضایت و تعهد و وابستگی درونی است. همچنین نتیجه پژوهش رجایی و همکاران (۱۳۸۶) و حمیدی (۱۳۸۶) با نتیجه این پژوهش همسو است. بارتولومئو و گریفین (۱۹۹۴) معتقد هستند افراد با سبک دلبستگی پریشان به علت وابسته شدن افراطی در رابطه زناشویی، اعتماد کردن به دیگران را مشکل و سخت می‌دانند و احتیاج دارند عواطف خود را در سطح پایین نگه دارند. نویسندگان معتقد هستند که اضطراب‌های حل نشده ناشی از ارتباطات با افراد مهم به سبک دلبستگی عاشقانه افراد پریشان تأثیر منفی بر جای می‌گذارد و ارتباط کنونی او را تحت تأثیر قرار می‌دهد. داشتن اضطراب و دل مشغولی نسبت به رابطه عاشقانه، باعث ایجاد سطح اعتماد پایین‌تر در ارتباط و در نتیجه نارضایتی زناشویی می‌شود.

یافته دیگر پژوهش این بود که بین سبک دلبستگی عاشقانه گسسته و رضایت زناشویی رابطه منفی وجود دارد. هالیست و میلر (۲۰۰۶) معتقد هستند که افراد با سبک دلبستگی عاشقانه گسسته درکی منفی از روابط خود دارند و سطوح پایین‌تری از اعتماد، رضایت و تعهد

را نشان می‌دهند. تجارب اولیه از فقدان پذیرش آشفتگی‌ها باعث می‌شود که افراد اجتنابی با حالت تدافعی از جستجو کردن یا تأیید کردن اضطراب/استرس دست بکشند. بارتولوموف و هورویتز (۱۹۹۱) دریافتند که افراد با سبک دلبستگی عاشقانه گسسته احتیاج به حمایت و مجاورت دارند، اما پیدا کردن فردی حامی آشفتگی آن‌ها را کاهش نمی‌دهد. چون شکل‌های دلبستگی اولیه به طور کامل در دسترس نیست، عدم ارضاء نیاز به مجاورت و عصبانیت ناشی از آن به ترس از صمیمیت و نزدیکی منجر می‌شود و به نوبه خود رفتار اجتنابی را موجب می‌شود. نتیجه پژوهش‌های رجایی و همکاران (۱۳۸۶)، حمیدی (۱۳۸۶) و بانس (۲۰۰۴) از این یافته حمایت می‌کنند. از نظر نویسندگان افراد با سبک دلبستگی عاشقانه گسسته با نوعی بی‌تفاوتی با همسر ارتباط برقرار می‌کنند که ریشه آن ترس از صمیمیت و طرد شدن است، این بی‌تفاوتی زمینه‌ساز رفتارهای اجتنابی و در نتیجه رضایت زناشویی می‌شود.

یافته دیگر پژوهش این بود که بین سبک عشق اروس و رضایت زناشویی رابطه مثبت وجود دارد. نتیجه پژوهش فریکر و هانس (۲۰۰۶) از این یافته حمایت می‌کند. آن‌ها در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند افراد با سبک عشق اروس، سطح بالایی از رضایت و سرمایه‌گذاری و سطح پایینی از تناوبی بودن را نشان می‌دهند. همچنین پژوهش استفانی و گریفین (۲۰۰۶) از این یافته حمایت می‌کند. آن‌ها دریافتند که اروس عشق شادی‌آور است و معمولاً ابراز عواطف شدید و صمیمیت جنسی زیادی در بردارد.

یافته دیگر پژوهش این بود که بین سبک عشق لودوس و رضایت زناشویی رابطه منفی وجود دارد. نتیجه پژوهش‌های لی (۱۹۷۳، ۱۹۷۷) همسو با این یافته است. او دریافت افراد با سبک عشق لودوس به طرف مقابل خود توجهی ندارند و فعالیت جنسی را به عنوان یک موقعیت برای سرگرمی در نظر می‌گیرند، فریکر و هانس (۲۰۰۶) دریافتند که افراد با سبک عشق لودوس به دلیل رابطه جنسی با شریکان چندگانه، اجتناب از تعهد، نداشتن حسادت و تنوع داشتن در رابطه مستعد خیانت زناشویی هستند. نویسندگان دلیل عمده ارتباط منفی بین سبک عشق لودوس و رضایت زناشویی را فقدان حضور عاطفی و عمیق افراد لودوسی در رابطه زناشویی و ایجاد نکردن رابطه پایدار اشتراکی می‌دانند.

یافته دیگر پژوهش این بود که بین سبک عشق پراگما و رضایت زناشویی رابطه مثبت وجود دارد. یافته‌های پژوهش این فرضیه را تأیید می‌کند. بدین معنی که افراد با سبک عشق



پراگما رضایت زناشویی بالایی دارند. طبق نظر فریکر و هانس (۲۰۰۶) افراد لودوسی برای شریک خود ارزش بسیار قائل هستند و به دنبال همسر مناسب می‌گردند. افراد پراگماتیک یک نگاه عملی به عشق دارند و به دنبال عاشق سازگار می‌گردند. استفانی و گریفین (۲۰۰۴) معتقد هستند که افراد پراگماتیک عملگرا و منطقی هستند و همیشه قبل از عمل فکر می‌کنند. به نظر نویسندگان ویژگی‌هایی که استفانی و گریفین (۲۰۰۴) بیان کرده‌اند افراد پراگماتیک را در موقعیت مناسبی در ارتباطات زناشویی قرار می‌دهد و این ویژگی‌ها باعث افزایش رضایت زناشویی آن‌ها می‌شود.

یافته‌ی دیگر پژوهش این است که بین سبک عشق مانیا و رضایت زناشویی رابطه منفی وجود دارد. نتیجه پژوهش فریکر و هانس (۲۰۰۴) این یافته را تأیید می‌کند. استفانی و گریفین (۲۰۰۶) معتقد هستند که افراد مانیا، نامطمئن، حسود، کم تحمل و دارای رابطه عشقی غیر منطقی و همراه با حسادت فوق العاده زیاد هستند. سبک عشق مانیا با سبک دل‌بستگی پریشان که علامت مشخصه آن اضطراب است، رابطه مثبتی دارد و این رابطه افراد مانیایی را به داشتن رابطه‌ای اضطرابی همراه با حسادت و بدون منطقی مستعد می‌کند که زمینه مهمی برای نداشتن رضایت زناشویی است.

یافته دیگر این است که بین سبک عشق آگپ و رضایت زناشویی رابطه مثبتی وجود دارد. نتیجه پژوهش فریکر و هانس (۲۰۰۶) این یافته را تأیید می‌کند. آن‌ها دریافتند که افراد با سبک عشق آگپ تعهد، صمیمت و رضایت بالایی را در زندگی زناشویی دارند. استفانی و گریفین معتقد هستند که افراد آگپ تمایلات طرف مقابل را به تمایلات خود ترجیح می‌دهند و حمایت‌گری بی قید و شرطی در مقابل همسر خود دارند. با توجه به روابط عشقی فردی، یک عاشق آگپ به طور عاقلانه‌ای خود را به جفت خود اختصاص می‌دهد، حتی گاهی به خاطر رقیب کنار می‌کشند. این نوع عشق که ترکیبی از استورگ و آگپ است پاک و مراقب‌گونه است و معشوق بسیار مهم است (لی، ۱۹۷۳ و ۱۹۷۷). داشتن این تفکر نوع دوستی و فداکارانه در زندگی مشترک سبب افزایش رضایت زناشویی می‌شود.

پژوهشگران بعد از انجام دادن تحلیل رگرسیون گام به گام دریافتند که از بین سبک‌های دل‌بستگی عاشقانه و سبک‌های عشق، سبک دل‌بستگی گسسته و سبک‌های عشق اروس، مانیا، و پراگما با تبیین کردن حدود ۵۵٪ از واریانس رضایت زناشویی، پیش‌بینی کننده‌های معنا‌داری برای رضایت زناشویی هستند.

منابع

- امان الهی، عباس (۱۳۸۴). بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی و عوامل فردی- خانوادگی با رضایت زناشویی در کارکنان اداره‌های دولتی شهر اهواز، پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه شهید چمران.
- امان الهی، عباس، غوابش، سعاد و تشکر، هاجر (۱۳۸۹). بررسی رابطه سبک‌های دوست داشتن و سبک‌های دلبستگی عاشقانه با رضایت زناشویی کارکنان مرد اداره‌های دولتی شهر اهواز. چهارمین کنگره آسیب شناسی خانواده، تهران، دانشگاه شهید بهشتی ۲۱ تا ۲۳ اردیبهشت ۸۹.
- ثنایی، باقر (۱۳۷۹). مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج. تهران: رشد.
- حمیدی، فریده (۱۳۸۶). بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی با رضایت زناشویی در دانشجویان متأهل دبیری. فصلنامه خانواده‌پژوهی، سال سوم، شماره ۹، بهار ۱۳۸۶.
- رجایی، علیرضا، نیری، مهدی و صدقاتی، شیرین (۱۳۸۶). سبک‌های مختلف دلبستگی و رضایت‌مندی زناشویی. فصلنامه روان‌شناسان ایرانی، سال سوم، شماره ۱۲.
- عطاری، یوسف‌علی، عباسی سرچشمه، ابولفضل و مهرابی زاده هنرمند، مهناز (۱۳۸۵). بررسی روابط ساده و چند گانه نگرش‌های مذهبی، خوشبینی و سبک‌های دلبستگی با رضایت زناشویی در دانشجویان مرد تأهل دانشگاه شهید چمران اهواز. مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، ۱۳۸۵، دوره سوم، سال سیزدهم، شماره ۱ صص ۹۳-۱۱۰.
- عیدی خطیبی، رقیه و خانجانی، زینب (۱۳۸۵). بررسی رضایت زناشویی در سبک‌های مختلف دلبستگی. فصلنامه علمی- پژوهشی روان‌شناسی دانشگاه تبریز، سال اول، شماره ۲ و ۳.
- عیدی خطیبی، رقیه (۱۳۸۳). مقایسه رضایت زناشویی در سبک‌های مختلف دلبستگی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تبریز، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.

Banse, R. (2004). Adult attachment and marital satisfaction: Evidence for dyadic



- configuration effects. *Journal of social and personal relationships*. SAGE Publication. Vol 21 (2): 273- 282.
- Bartholomew, K., & Horowitz, L. (1991). Attachment styles among young adults: A test of a four category model. *Journal of Personality and Social Psychology*, 61, 226- 244.
- Bernard, J. (1975). *The future of marriage*. New York: Bantam.
- Bowlby, J. (1979/1994). *The making and breaking of affectional bonds*. New York: Routledge.
- Brennan, K. A. & shaver, P. R. (1995). Dimensions of adult attachment affect regulation and romantic relationship functioning. *Personality and social psychology bulletin*. 21.
- Feeney, J. (1999). *Adult attachment, emotional control, marital satisfaction*. *Personal relationships*. USA.
- Feeney, J. A., & Noller, P. (1990). Attachment style as a predictor of adult romantic relationships. *Journal of Personality and Social Psychology*, 58, 281- 291.
- Fricke, J. & Hons, B. A.(2006). Predicting Infidelity: The Role of Attachment Styles, Lovestyles, and the Investment Model.
- Furman, W., & Wehner, E. A. (1999). The Behavioral Systems Questionnaire-Revised. Unpublished Questionnaire.
- Furman, W., & Wehner, E. A. (2001). The Behavioral Systems Questionnaire-Manual. Unpublished Questionnaire.
- Furman, W., Simon, V., Shaffer, L., & Bouchey, H. A. (2002). Adolescents. working models and styles for relationships with parents, friends, and romantic partners. *Child Development*, 73, 241- 255.
- Gottman, J. M. (1999). *The seven principles for making marriage work*. New York: Bantam.
- Hazan, C. & Shaver, P.(1987). Romantic love conceptualized as an attachment process. *Journal of Personality and Social Psychology*, 52 (3), 511- 524.
- Hazan, C., & Shaver, P. R. (1990). Love and work: An attachment theoretical perspective. *Journal of Personality and Social Psychology*, 59, 270- 280.
- Hendrick, C., & Hendrick, S. S.(1989). Research on love: Does it measure up? *Journal of Personality & Social Psychology*, 56, 784- 794.
- Hendrick, C., & Hendrick, S.(1986). A theory and method of love. *Journal of Personality and Social Psychology*, 50, 392- 402.
- Hendrick, S. S., & Hendrick, C.(1987). Love and sexual attitudes, self- disclosure and sensation seeking. *Journal of Social and Personal Relationships*, 4, 281- 297.
- Hightower, James Robert.,(1996). *Love style and marital quality*. University of Arkansas, 69.
- Hollist, Miller.(2005). Perceptions of Attachment style and Marital Quality in

- midlife Marriage. *Family Relations*; 54, 46 - 57.
- Jane, Robbecca.(2002). *Attachment and marital quality: changes in the first year of marriage*. University of California, Losangeles.
- Johnson, S., & Lebow, J. (2000). The “coming of age” of couple therapy: A decade review. *Journal of Marital and Family Therapy*, 26, 23- 38.
- Kanemasa, Y. Taniguchi, J. Daibo, I., & Ishimori, M. (2004). Love styles and romantic love experiences in Japan. *Social Behavior and Personality*, 32, 265-281.
- Kirkpatrick, L. A., & Davis, K. E. (1994). Attachment style, gender, and relationship stability: A longitudinal analysis. *Journal of Personality and Social Psychology*, 66, 502- 512.
- Kobak, R. P. & hazan, C. (1991). Attachment in marriage: effects of security and accuracy in working models. *Journal of personality and social psychology*. 60.67- 74.
- Lee, J. A.(1973). *The colours of love: An exploration of the ways of loving*. Ontario, Canada: New Press.
- Lee, J. A.(1998). Ideologies of lovestyle and sexstyle. In V. C. deMunck (Ed.), *Romantic love and sexual behaviour: Perspectives from the social sciences* (pp. 33- 76). Westernport, Connecticut: Praeger.
- Lee, J. A., 1977. A Typology of Styles of Loving. *Personality and Social Psychology Bulletin* 3 (2), 173- 182.
- Markman, H., Stanley, S., & Blumberg, S. L. (1994). *Fighting for your marriage*. San Francisco, CA: Jossey- Bass, Inc.
- Montgomery, M. J. & Sorell, G. T.(1997). Differences in love attitudes across family life stages. *Family Relations*, 46, 55- 61.
- Neto, F., Mullet, E., Deschamps, J- C., Barros, J., Benvindo, R., Camino, L., Falconi, A., Kagibanga, V., & Machado, M. (2000). Cross- Cultural Variations in Attitudes Toward Love. *Journal of Cross- Cultural Psychology*, 31, 626- 635.
- Ollson, D. H. (1989). *Families what makes them work* .New York: Hamilton.
- Patrick, K., Karen, D. & Kenneth. D. (1998) attachment style and relationship satisfaction: test of a self disclosure explanation. *Canadian journal of behavioral science*. 30, 50- 57.
- Robyn, A. P., evelyn, D. S. (1998). *Attachment an dmarital adjustment.changing families, challenging future. 6th Australian institute of family studies confereance*. Melborn25- 27 novamber.
- Simpson, I. A. & roles, W. S. (1998). *attachment theory and close relationships*. New York, Cuilford press.
- Simpson, J. A. (1990). Influence of attachment styles on romantic relationships. *Journal of Personality & Social Psychology*, 59, 971- 980.
- Stephanie, A. & Griffin, M. S.(2006). A Qualitative Inquiry into How Romantic



- Love Has Been Portrayed by Contemporary Media and Researchers. *Ohio state University*, 2006. Unpublished measure, University of Denver.
- Volling, B. (1998). Adult attachment style: relations with emotional well being and parenting. *Journal of family relations*, 4, 98- 204.
- Walker, A. J. (1999). Gender and family relationships. In M. B. Sussman, S. K. Steinmetz, & G. W. Peterson (Eds.). *Handbook of marriage and the family*, (2nd ed., pp. 439- 474). New York: Plenum Press.
- Wekerle, C. et al (1998). The role of child maltreatment and attachment style in adolescent relationship violence. *Development and psychology*, 10.
- White J. K. Hendrick, S. S., & Hendrick, C. (2004). Big five personality variables and relationship constructs. *Personality and Individual Differences*, 37, 1519-1530.
- Whiteway, M. (2001). *Adult attachment style and their relations to marital satisfaction in first marriages of seven years and longer*. Submitted in partial fulfillment of the requirement of the degree of doctor of philosophy. Seton hall university.
- Yang, Y., & Liu, A. (2007). Reliability and Validity of the Chinese Love Attitude Scale. *Asian Social Science*, 3, 41- 44.

Archive of SID

نویسندگان

دکتر عباس امان الهی**a.amanelahi@scu.ac.ir**

دکتری مشاوره خانواده، عضو هیأت علمی گروه مشاوره دانشگاه شهید چمران اهواز و تعداد مقالات علمی پژوهشی او ۶ مقاله و تعداد مقالات ارائه شده در سمینارها ۲۱ مقاله است.

دکتر خالد اصلانی**kh.aslani@scu.ac.ir**

دکترای مشاوره از دانشگاه علامه طباطبایی در سال ۱۳۸۸، استادیار گروه مشاوره دانشگاه شهید چمران اهواز و تعداد مقالات علمی پژوهشی او ۱ مقاله، تعداد مقالات ارائه شده در سمینارها ۳ مقاله و نویسنده کتاب گشتالت درمانی (مهارت‌ها و فنون روان درمانی و مشاوره گشتالت) است.

هاجر تشکر

کارشناس مشاوره و تعداد ۲ مقاله در سمینارها ارائه کرده‌اند.

سعاد غوابش

کارشناس مشاوره و تعداد ۲ مقاله در سمینارها ارائه کرده‌اند.

سمیه نکویی

کارشناس ارشد مشاوره و تعداد مقالات علمی پژوهشی او ۱ مقاله و تعداد مقالات ارائه شده در سمینارها ۸ مقاله است.